

گسستها و پیوندهای حقوق بشر اروپا، خاورمیانه و ایران

مهدی ذاکریان

دکتر مهدی ذاکریان، استاد مدعو دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا
هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات mzakerian@law.upenn.edu

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۸/۱۲

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال هشتم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۱۷-۱۲۷.

دیباچه

کمتر کسی است که از فرانسه را دیده باشد و با شعار «برابری، برادری» در آن کشور روبه‌رو نشده باشد. اکنون این شعار مرزهای فرانسه را پشت سر گذاشته و سراسر اروپا را فراگرفته است. رسالت انقلابی که ناپلئون با برنامه‌های دقیق نظامی خویش تلاش داشت تا به سراسر اروپا گسترش دهد، ژان مونه با برنامه جامعه زغال و فولاد اروپا که منجر به اتحادیه اروپا کنونی شد^(۱) در قرن بیستم به انجام رسانید و امروزه در هزاره جدید به واسطه همان برنامه اقتصادی - تکنیکی شعار «آزادی، برابری و برادری» سراسر اروپا را فراگرفته است.

ناپلئون بناپارت و ژان مونه هر دو سروری و برتری آرمان‌های انقلابی ایدئولوژیک فتح باستیل و انقلاب فرانسه را در سر داشتند؛ اما ناپلئون شکست خورد و تبعید شد ولی ژان مونه پدر اروپا لقب یافت.^(۲) تفاوت ناپلئون مونه در این است که ژان مونه آرمان‌های والا ایدئولوژیک را با منطق زندگی امروزی اروپا عجین ساخت و ناپلئون شعارهای انقلاب فرانسه را با رویاهای خیالی بناپارتیسمی پیوند زد که به مذاق شهروندان اروپا خوش نیامد. دانش روابط بین‌المللی همواره نشان داده است که قدرت نرم (Soft Power) از پایداری و ماندگاری بیشتری در مقایسه با قدرت سخت (Hard Power) برخوردار است.^(۳) آنها که به جای سلاح و جنگ‌افزار راه اقتصاد ادب و فرهنگ را پیشه کردند توفیق بیشتری در سروری جهان یافتند و تجربه ناپلئون و مونه نیز چیزی جز این نیست.

اکنون خط مشی خاورمیانه‌ای اتحادیه اروپا در موضوع حقوق بشر همین راه را می‌پیماید. شاید پیشنهادهای اتحادیه اروپا برای گفت‌وگوهای حقوق بشری در نزد حاکمان خاورمیانه خنده‌دار باشد. ولی اروپایی‌ها می‌دانند که ماندگاری این شیوه در

گسترش و صدور هنجارهای حقوق بشری مد نظر آنها با تعریف ویژه آنها بسیار کم‌هزینه‌تر و سهل‌الوصول‌تر است. تجزیه ژان مونه در پایه‌گذاری اروپای واحد مؤید همین فرضیه است. هنگامی که ژان مونه جامه زغال و فولاد اروپا را طراحی می‌کرد، کمتر کسی فکر می‌کرد که این طرح و این سازمان اقتصادی به بزرگ‌ترین نظام اقتصادی، بازرگانی، سیاسی، فرهنگی و حقوق دنیا تبدیل شود. اما همان طرح محدود، امروزه از اتحادیه اروپا یک بازیگر گروهی (Collective Actor) در روابط بین‌الملل ساخته است. اکنون اتحادیه اروپا با ۲۷ کشور عضو، ۴۸۷ میلیون جمعیت و ۱۱/۷۳۶ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی یک بازیگر مهم در روابط بین‌المللی است.^(۴) این اتحادیه به شیوه‌ای ویژه، موضوع حقوق بشر را در مسائل خاورمیانه دنبال می‌کند؛ زیرا خاورمیانه از منظر امریکا با سیاست‌های سخت‌افزاری پیوند خورده و توان اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه تنها در اندازه دنبال کردن موضوع دموکراسی، انتخابات آزاد و مسائل زنان است.

خاورمیانه و اروپا

اتحادیه اروپا نه تنها سازوکارهای حقوق بشر ویژه‌ای را در مورد خود پیش‌بینی کرده و دنبال می‌کند، بلکه موضوع حقوق بشر را به روابط بازرگانی و سیاسی خود با دیگر کشورهای نیز پیوند زده است.^(۵) بسیار آشکار است که این، نه از سر عشق به شهروندان دیگر کشورهای بلکه از نهاد و مقام به اصطلاح مربی‌گری و الگوگری آنها است که به ما پیام‌وزند دموکراسی چیست و حقوق بشر یعنی چه (!!!) و همین نکته است که موجب رنجش بسیاری از دوستداران حقوق بشر مسلمان می‌شود.

تردیدی نیست که خاورمیانه کانون توجه اتحادیه اروپا است. این موضوع برگرفته از منابع فراوانی انرژئی و بازار بزرگ دادوستد جهانی است که خاورمیانه کانون گفتمان‌های فرهنگی است. سه دین بزرگ جهان از این منطقه برخاسته‌اند و هیچ تحولی در نظام بین‌المللی نیست که در این منطقه ریشه نداشته باشد با این همه در زمینه حقوق بشر، کشورهای خاورمیانه به واسطه کشورهای دو ویژگی از پیشرفت در حقوق بشر در مانده‌اند. نخست حاکمیت سیاسی و دوم فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه

ویژگی‌هایی هستند که گسست عمیقی میان خاورمیانه و حقوق بشر پدید آورده‌اند.^(۶) اتحادیه اروپا هم در پی این موضوع به مانند سایر نقاط دنیا موضوع حقوق بشر را در این منطقه دنبال می‌کند. به ادعای اتحادیه اروپا؛ روابط بازرگانی، سیاسی و فرهنگی کشورها عضو اتحادیه با کشورهای منطقه بی‌تاثیر از موضوع حقوق بشر نیست. با این حال، نگاه اتحادیه به حقوق بشر در این منطقه تا آنجای جدی است که اصل سود بازرگانی آسیب نبیند. این یعنی اینکه ماگنا کارتای اروپا تا جای پیش می‌رود که سیاست، اقتصاد و بازرگانی اروپا صدمه نبیند.

رویکرد اروپایی‌ها به حقوق بشر در خاورمیانه برگرفته از رسالت تاریخی و انقلابی است که آنها خود قایل می‌شوند و این رسالت گاه آن قدر جدی می‌شود که ماهیتی ایدئولوژیک گرفته و به عنوان اصول و بنیادهای یک باور عمل می‌کند، در چنین وضعیتی چاب برخی از کتابها ممنوع می‌شود و برسرکردن تکه پارچه‌ای به نام روسری همانند آسیب‌رسانی به آزادی دیگران تلقی می‌شود.^(۷) اگرچه این رسالت ایدئولوژیک در درون مرزهای اتحادیه ماهیتی کاملاً بنیادی و غیرقابل انحراف به خود می‌گیرد اما با این حال، اروپا در موضوع حقوق بشر خاورمیانه تا آنجا پیش می‌رود که نظم حقوق بشری منطقه سبب‌ساز هزینه‌ها اقتصادی و سیاسی برای اتحادیه نشود. کشورهای این منطقه با اینکه نیمی از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند ولی میانگین نرخ بیکاری در این منطقه ۵۱ درصد و از هر ۵ نفر جمعیت خاورمیانه یک نفر با درآمد زیر ۲ دلار زندگی می‌کند.^(۸) با این همه اتحادیه اروپا در این زمینه بسیار آرام است و تنها به هشدارهای کوتاهی در زمینه حقوق مدنی و سیاسی (و نه حقوقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بسنده می‌کند. در این زمینه نمونه‌های فراوانی به عنوان گواه این سناریو وجود دارند. نوع نگرش اتحادیه اروپا به شورای همکاری خلیج فارس و موضوع درگیریهای اعراب و اسرائیل بر همین مناسبت.

ترکیه نمونه دیگری است که بیانگر برتری نگرش حقوقی است. این کشور به رغم انجام اصلاحات حقوق بشری به دلیل نگرش ویژه به موضوع قبرس از پذیرش در اتحادیه اروپا بازماند و اردوغان بر پایه فهم همین موضوع تلاش کرد تا نگرش سیاسی ترکیه در موضوع قبرس را با موضوع اصلاحات و رعایت استانداردهای اتحادیه همانگ

کند. راهی که پیش کسوتان سکولار اردوغان نتوانستند به سرانجام برسانند، وی با شناخت آگاهانه و نگاه تیزبینانه خود به سرانجام رسانید و اروپا را واداشت تا موضوع عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را جدی بگیرد.

این نمونه نشان می‌دهند که همه کشورهای و بازیگران بین‌المللی، موضوع حقوق بشر را به عنوان یک دستاویز برای دستیابی به منافع ملی خود می‌بینند. در این بازی، آنهایی موفق هستند که واقعاً به باورهای خود ایمان داشته باشند و برای دستیابی به آن باورها بهترین و کم‌هزینه‌ترین شیوه و روش را بپذیرند. موضوع حقوق بشر در خاورمیانه و نگاه اتحادیه اروپا به آن چیزی جز یک بازی سیاسی بیش نیست. اتحادیه اروپا در وضعیت کنونی خود به عنوان یک بازیگر درجه دو هیچ‌گاه حقوق بشر را بر امنیت، سیاست و اقتصاد برتری نمی‌دهد. حتی اگر اتحادیه اروپا به هژمون یا هم‌تراز یک هژمون تبدیل شود. برای حقوق یک شهروند خاورمیانه‌ای از اقتصاد و سیاست خود هزینه نخواهد کرد. تجربه روابط دوستانه اروپایی‌ها با شاه در گذشته و همکاری نزدیک آنها با اسرائیل، اردن، شیخ‌نشینهای خلیج فارس و کشورها اقتدارگرای شمال آفریقا چیزی جز این نیست. اروپا تنها در همین دهه‌های کنونی است که خواهان حقوق بشر، چند جانبه‌گرایی، دیپلماسی، قانون‌گرایی، گفت‌وگو و هنجارگرایی درآمد و شده‌های بین‌المللی شده است و گرنه پیشینه استعماری اروپا، تاریخی آکنده از استعمار و یکجانبه‌گرایی است.^(۹)

با این وجود اتحادیه تلاش کرده است چهره‌ای در خور و شایسته از خود در موضوع حقوق بشر ارایه دهد. دغدغه اتحادیه در حفظ این چهره سبب شده است تا این اتحادیه، حکومت خوب و پشتیبانی از حقوق بشر را به عنوان یک بخش جدا نشدنی از خط مشی‌های بین‌المللی خود قرار دهد و اصرار ورزد که پیمان نامه‌های بازرگانی و سیاسی اتحادیه با دیگر کشورها در برگیرنده شرط حقوق بشر نیز هست.^(۱۰) ضمن اینکه اتحادیه اروپا در پیش نویسه‌های قطع‌نامه‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد علیه کشورهایی که مورد غضب آمریکا قرار گرفته‌اند پیشگام است. اما روی دیگر سکه آن جا است که همین اتحادیه همواره روابط بازرگانی، سیاسی و اقتصادی خود را با همان‌ها حفظ کرده است. از آن بدتر روابط دوستانه و گاه در اندازه ائتلاف و اتحاد

کشورهای اتحادیه اروپا با کشورهای مستبد اما دوست این منطقه با اتحادیه اروپا است. این یعنی اینکه اتحادیه تنها مدعی آرمان‌های ایدئولوژیک شهروندان اروپایی در نظام بین‌الملل است.

تعریف اتحادیه اروپا در این راستا «دعوت» دیگران به دموکراسی و حقوق بشر است و بس. در این زمینه، اتحادیه اروپا گفت‌وگوهایی را با ترکیه، ایران، شورای همکاری خلیج فارس و دیگران انجام داده است. متخصصین روابط بین‌الملل و فعالان حقوق بشر می‌دانند که چگونه حقوق بشر را جریان چانه‌زنی‌های دیپلماتیک سبب‌ساز گرفتن امتیازهای ویژه بازیگر الف از بازیگر ب می‌شود:

A discuss With B to achieve C

هیچ‌گاه در جریان چانه‌زنی‌های بازیگران الف (A) و ب (B)، ج (C) برابری با حقوق بشر نبوده است:

$A * B = c \# HR$ و اتحادیه اروپا نیز در این زمینه جز این رفتار نکرده است.

ایران و اتحادیه اروپا

از میان کشورهای خاورمیانه ایران باید در این موضوع هوشیاری ویژه‌ای به خرج دهد. شأن ایران بسیار فراتر از آن است که موضوع چالشها و دستاوردهای حقوق بشری کشور به معاملات دیپلماتیک بینجامد. اتحادیه اروپا با بهره‌گیری از روش سیاست‌های نرم‌افزاری خواهان دستیابی به نتیجه‌های بزرگ است. جوزف نای به درستی به این موضوع اشاره کرده که تأثیر قدرت نرم به مراتب بیشتر از قدرت سخت است و اروپایی‌ها برخلاف آمریکایی‌ها که قدرت سخت را دنبال می‌کنند در پی قدرت نرم هستند.

اروپا تاکنون چندین گونه گفت‌وگو با کشورهای اسلامی و خاورمیانه داشته است. اتحادیه اروپا در این زمینه تاکنون چهار دور گفت‌وگوهای حقوق بشری با ایران برگزار کرده است.^(۱۱) ایران همواره با دقت و با علاقه در گفت‌وگوهای حقوق بشری مشارکت کرده اما اصرار داشته است که حقوق بشر در تعریف ایران بر پایه ارزشهای ملی و بومی است. این رویه درستی است که ایران به آن تأکید می‌کند اینکه ایران آماده شنیدن

هر صدای درباره حقوق بشر است، ارزشمند و قابل تقدیر است اما اروپایی‌ها هم باید بدانند که معلم و آموزگار ما در موضوع حقوق بشر نیستند. چرا و به کدامین دلیل شماری از باخترنشینان سخنان احمدی‌نژاد را به سخره می‌گیرند. که «ایران هم خواهان بیان دیدگاه‌های خویش درباره حقوق بشر و نقد کشورهای شما است»^(۱۲) این حق هر فرد مقام کشور و دولتی است که خواهان شنیدن و گفتن باشد ولی اروپایی‌ها زبان و صدایی رسایی برای گفتن دارند و گوش باریکی برای شنیدن.

پیشرفت حقوق بشر در ایران وابسته به خواست و تمایل ایرانیان به حقوق بشر است ایرانی‌ها دستاوردهای بومی ارزنده‌ای در زمینه حقوق بشر داشته‌اند. موضوع فلسفه و چستی حقوق زنان، حقوق کودک، آزادیهای سیاسی و مدنی و هم اکنون غیر قابل انکار است. با این حال همه نمی‌توان از گسستهای ایران با بسیاری از هنجارهای جهانی حقوق بشر چشم پوشید. ایران عضوی از جامعه جهانی است و طبیعی است که پذیرش استانداردهای جهانی حقوق بشر از نگاه جامعه بین‌المللی بسیار مهم و حساس باشد. با این وجود این خود ایران است که باید تصمیم‌نهایی در نهادینه‌سازی هنجارهای حقوق بشر جهانی را بگیرد و نه اتحادیه اروپا. کمی با خود رو راست باشیم مشکل ما در موضوع حقوق بشر نه از ستیز با همه هنجارهای حقوق بشر بلکه درخواست این ملت، تاریخ این کشور، روحیه ایرانی و اجراء پیاده‌سازی و هماهنگی با آنها است. به ویژه اینکه یکی از چالش‌های جدی ما برخی از افراد و نهادهایی هستند که هیچ اعتقادی به حقوق بشر ندارند و آن را به مجموعه نظام نسبت می‌دهند. آنها که بر این باورند که هنجارهای جهانی حقوق بشر هیچ ارزشی ندارد و خواهان پوشش دادن این باور به سراسر جامعه ایرانی هستند، همان ضربه‌ای را به منافع ملی ایران وارد می‌آورند که دشمنان این کشور و ملت می‌کنند. این درست نیست که تنها طیف اندکی در موضوع هنجارهای جهانی حقوق بشر تصمیم بگیرند چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی.

وانگهی سیاست‌ها و برنامه‌های اتحادیه در موضوع حقوق بشر ایران نوسانی است میان ایدئولوژی و منافع ملی. آنها در برهه‌های کوتاهی به مانند توماس اکویناس قدیسند و در مدارهای کلان از آموزگار سیاست خویش (ماکیاولی) بهره می‌گیرند.

دودلی‌ها اروپا میان ایدئولوژی و منافع ملی برای همگان روشن است. اگر چه غرور اروپا در پیشرفتهای حقوق بشر ستودنی است، ولی همانها باید از پیشینه سیاه و دوگانگی رفتاری خویش شرمسار باشند. حتی امروزه نیز آنها کارنامه روشنی ندارند. آنگاه که شماری از شهروندان و جوانان این مرز و بوم به رغم بهره مندی ازدانش و تخصصی، آرامش بیشتری را در قالب پناهندگی در خاک چنین کشورهای می‌جستند، دچار چه گونه رفتارهای تحقیر آمیز که نگردیدند گذشته و اکنون اروپا در رویارویی با پناهندگان و حقوق آنها اگر نگوئیم بدتر، دست کم بهتر از دیگر کشورها نیست. ادعای اروپا در جلوگیری از استانداردهای حقوق بشر در درون اتحادیه اروپا و پشتیبانی از فعالان حقوق بشر در کشورهای جنوب نیز محل تردید است. دست کم این نکته روشنی است که ایرانیان مورد پشتیبانی آنها کسانی نیستند جز آنهایی که در گذشته ایران را به خروج از پیمان نامه‌های حقوق بشر و حتی خروج از سازمان ملل متحد فرا می‌خواندند. ولی همانها امروزه مدعیان درجه یک حقوق بشر این کشور شده‌اند و اروپا و آمریکا نیز به آنها پاداش می‌دهند.

دستاورد

موضوع حقوق بشر متعلق به کل جامعه بشری است. هنجارهای حقوق بشر هم در سطح نظام بین‌الملل و هم در سطح ملی باید به تصویب کشورها و ملت‌ها برسد. هنجارهای حقوق بشر هنگامی جهانی‌اند که هم افکار عمومی ملی و هم افکار عمومی جهانی پذیرای آنها باشد در ایران نیز تصمیم‌گیرندگان اصلی در موضوع هنجارهای حقوق بشر باید افکار عمومی ایران باشد. در این موضوع، انعکاس افکار عمومی از طریق مشارکت‌های آزاد مدنی مانند انتخابات مجلس، شوراها، رسانه‌ها، ریاست‌جمهوری و نظایر آن امکان‌پذیر است.

ایران برای ارائه چهره‌ای خوب و یا حتی هماوردی با دیگر بازیگران در موضوع حقوق بشر نیازمند نیروهای اندیشمند و وطن پرست است. اکنون ایران ما به مانند سالهای پس از جنگ جهانی دوم فرانسه ۱۹۴۵-۱۹۵۵ است. ایران امروز ما به مانند آن دوران فرانسه نیازمند کسانی مانند ژان مونه و روبرت شومان است. اندیشمندی به نام

ژان مونه که با طراحی‌های علمی خود به روش بهره‌گیری از قدرت نرم ایران را به بازیگرای مطرح در نظام بین‌الملل تبدیل کند و وزیر خارجه به نام روبرشومان که با مهارت‌های حرفه‌ای و دیپلماتیک خود توان اجرا و عملیاتی کردن اندیشه‌های والا و ارزشمند مونه را داشته باشد موضوع حقوق بشری اروپا در خاورمیانه هر چه که باشد؛ ایران نیازمند مغزی پویا و بازویی توانمند است. بسترهای دستیابی به این توان زدودن فضای مسموم و مسمئزکننده ریا و نفاق است که بر دستگاه‌های سیاسی، علمی و تصمیم‌گیری کشور سایه افکنده است. در غیر این صورت بایستی هر آینه در انتظار مرگ و دفن باورها و ارزش‌های ملی و دینی ایران زمین باشیم. جالب اینکه هنجارهای دموکراتیک و حقوق بشر باخترزمین میخ‌های آغازین خود را در خانه‌های دشمنان، دیروزی حقوق بشر کوبیده است و از همان بیوت، خیمه‌داران دموکراسی و مدنیت برخاسته‌اند. مدعیان دو آتشه‌ای که گاه از رفتار و کردار آنها چنین بر می‌آید که حقوق بشر را دستاویزی برای دستیابی به قدرت قرار داده‌اند. *

پی‌نوشت‌ها:

۱. سنگ بنای اتحادیه اروپا به اعلامیه روبر شویمان Robert Schuman وزیر امور خارجه فرانسه در ۹ ماه ۱۹۵۰ در طرح مشترک برای ذغال و فولاد برمی‌گردد که ژان مونه Jean Monnet مبتکر و طراح آن بود به واسطه این طرح جامعه ذغال و فولاد اروپا در ۱۸ آوریل ۱۹۵۱ با ۶ کشور راه‌انداز شد. سپس جامعه اقتصادی اروپا و جامعه انرژی اتمی اروپا در ۲۵ مارس ۱۹۵۷ راه‌اندازی شدند. آنگاه در سال ۱۹۶۷ این سه جامعه در یکدیگر ادغام و به بازار مشترک اروپا و سپس جامعه اروپا European Community تبدیل شدند از یک ژانویه ۱۹۹۴ نیز جامعه اروپا (بر پایه پیش‌بینی پیمان ماستریخت) به اتحادیه اروپا European Union تبدیل شد هم‌اکنون با پاس احترام و زحمات ژان مونه وی‌ار پدر اتحادیه اروپا می‌نماید. برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به مهدی ذاکریان، «فرآیند اتحاد اروپا» فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۰ تابستان ۱۳۷۸، ص. ۱۰۵-۸۷.
2. Kiaus Dieter Borchardt. L'unification europeeme, Luxembourg: Documentaion europeenne, 2005, P. 5.
3. Joseph S. Nye, "Limits of American Power," Political Sciences Quarterly, Vol. 117, No. 4, winter 2002-3, P. 552.
4. Foreign Policy (ELI Focus), November - December 2005, pp. 11-25.
5. Felix Neugart, "The Future of Europeans Policies in the Middle East After the Iraq War," Discussion Paper Presented Bertelsmann Group For Policy Research, Munich: 10 th-12 th 2003, p. 13.
۶. برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به مهدی ذاکراین، خاورمیانه و حقوق بشر، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۲.
7. Jean Francois Leguil Bayart, L'entretien sur Iaicite Francaise Paris: CERI, Juillet 2005.
8. Mahmood Monshipouri, "The Bush Doctrine and Democracy Promotion in the Middle East." *Monograph*, Apreil, p. 7.
۹. بنگرید به نوشتار کلی‌گان در: David Held, *Mathia KOENIG-Archiabugi, American in the Twenty First Century*, Cambridge: Polity Press, 2004, p. 149.
10. Vaughne Miler, *The Human Righls Ciause in the EU's External Agreements*, 16 april 2004, p. 9.

۱۱. چهارمین دور گفت‌وگوهای حقوق بشری در روزهای ۲۵ و ۲۶ خرداد ۱۳۸۳ در تهران برگزار شد. موضوعات در نظر گرفته شده برای این دور از گفت و گوها پیرامون دو موضوع متمرکز گردید: (۱) نحوه اجرای عدالت در سیستم قضایی (Administration of Justice) (۲) تقویت همکاری و همبستگی بین‌المللی در زمینه حقوق بشر
- (The Enhancement of International Cooperation and Solidarity in the field Human Rights)
- Administration of justice and Promotion of International Cooperation and Solidarity in the Field of Human Rights, Coponhagen: Danish Institute for Human Rights, 2004.
۱۲. بنگرید به سخنان رئیس جمهوری در مراسم ۲۲ بهمن ۱۳۸۴. روزنامه اطلاعات ۲۳ بهمن ۱۳۸۴.